

### متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم. ای که می‌پرسی نشان عشق چیست / عشق چیزی جز ظهور مهر نیست / عشق یعنی مشکلی آسان کنی / دردی از در مانده ای درمان کنی / در میان این همه غوغا و شر / عشق یعنی کاهش رنج بشر / عشق یعنی گل به جای خار باش / پل به جای این همه دیوار باش / عشق یعنی تشنه ای خود نیز اگر / واگذاری آب را، بر تشنه تر / عشق یعنی دشت گل کاری شده / در کویری چشمه ای جاری شده / عشق یعنی ترش را شیرین کنی / عشق یعنی نیش را نوشین کنی / هر کجا عشق آید و ساکن شود هر چه نا ممکن بود ، ممکن شود. با عرض سلام خدمت استاد عزیزتر از جانم، استاد طاهرزاده. آنچه از جان بر آید و می‌کشاند انسان را به سمت معنا ها و زندگی ای که؛ دور است از روزمرگی ها و عادات و نیهلیسم و پوچی ها، «عشق» است. عشق حقیقی به او و اسماء او و جلوه های او، حال اینکه می‌طلبد جان، جانان را و اینکه پرشور تر و شدیدتر و متحدتر شود این عشق ... استاد به نظر شما با توجه به تاریخی که در آن قرار گرفته ایم و نسبت به اقتضاهای زمانه مان چگونه عشق به خود وجود و عشق به اسماء او همچون امام زمان (عج) و حضرت امام (ره) و حضرت آقا و دیگر آینه ها را می‌توان در یگانگی و شدیدتر احساس کرد؟ چگونه حاضر باشیم همچون حاضر بودن شهدا در دفاع مقدس و آن دیدن و به تماشا نشستن همچون آقا مهدی باکری؟!

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: باید در ابتدای امر متوجه مسئله خود و مسائل زمانه‌ای که در آن به سر می‌بریم، بشویم و آن راه و شخصی که متذکر مسیر ما نسبت به حقیقت زمانه می‌شود و عبور از ظلمات زمانه را می‌نمایاند؛ پیدا کرد تا «عشق» به معنای امروزین آن در بستر ایمان به ظهور آید. عشقی که زیر سایه ولایت الهی مقابل با استکبار را در ما آن‌چنان شورانگیز می‌کند که جنابعالی متذکر آن در شهیدی همچون شهید مهدی باکری شدید. آری! عشق در امروز یعنی مبارزه با ظلمی که به مردم مستضعف می‌شود. و این غیر از عشق‌های فانتزی است که متأسفانه نام عشق به خود گرفته است ولی هرچه هست عشق نیست. همان‌طور که نوشتید:

«عشق یعنی مشکلی آسان کنی / دردی از در مانده ای درمان کنی»

و این با روح حماسی مشکل است وگرنه یک حالت اخلاقی ساده می‌شود و آن «عشق» نیست. موفق

